

انسانگرایی و خداگرایی

مقدمه: آیا تابحال با بعضی ها مواجه شده اید که می گویند، "انسانیت و کمال نیازی به دین ندارد! حتی ایتیسست ها هم می دانند خوب و بد چیست بنابراین چه دلیل دارد که دین داشته باشیم؟ همه ادیان ساخته ذهن بشرند و هیچ دین آسمانی وجود ندارد. اگر به هموعان خود آزار نرسانیم و آب رودخانه را کثیف نکنیم و به حیوانات آزار نرسانیم و محیط زیست را دوست داشته باشیم، کافیسست و نیازی به دین نداریم." این ایده های جدید یک ایده تصادفی نیست که به ذهن انسان خطور کند بلکه تعالیمی است که در سال ۱۹۳۳ میلادی به اسم انسانگرایی و برای دور کردن انسانها از خدا با انکار کردن خدا و بزرگ کردن انسان در جامعه غرب ابداع شد.

انسانگرایی

عقاید انسانگرایی: اهداف و تعالیم و عقاید انسانگرایی و یا بشر دوستی که در دهه های اخیر از سوی جامعه غرب ابداع شده، بسیار ساده و قابل فهم است. در سال ۱۹۳۳ میلادی و همچنین ۴۰ سال بعد از آن یعنی در سال ۱۹۷۳ انسانگرایان عقیده خود را در دو کتاب با عنوان Humanist Manifesto I (بیانیه انسانگرایی جلد اول) و Humanist Manifesto II (بیانیه انسانگرایی جلد دوم) به چاپ رساندند. انسانگرایی فقط سیستم نگرش و افکاری که ارزش و اهمیت انسانها را بیان کند، نیست بلکه آن طریق زیرکانه و ملایمی از انکار وجود خدا و آوردن انسان بر صحنه قدرت و جایگاه خداست. کتاب بیانیه انسانگرایی جلد دوم بطور واضح چنین اظهار می کند "به عنوان یک ایتیسست، ما با انسانها آغاز می کنیم، نه با خدا؛ با طبیعت، نه با الوهیت. انسانها در قبال کسی که هستند و خواهند بود مسئول هستند. هیچ خدایی ما را نجات نخواهد داد. این ما هستیم که باید خود را نجات دهیم." (۱۹۷۳ بیانیه انسانگرایی جلد دوم، صفحه ۱۶).

در پیشگفتار کتاب بیانیه انسانگرایی چنین نوشته شده، "همانند سال ۱۹۳۳، انسانگرایان و بشر دوستان هنوز اعتقاد دارند که سنت خداپرستی، بویژه اعتقاد به خدایی که با دعا شفا می بخشد و به ظاهر انسانها را محبت می کند، یک امر اثبات نشده و ایمانی منسوخ شده است." (۱۹۷۳ بیانیه انسانگرایی جلد دوم، صفحه ۱۳).

انسانگرایی خداوند دین و معجزات و پیام انجیل را هدف قرار می دهد و در صدد نابودی آنهاست. به اظهاریه کای نلسن فلسفه دان انسانگرایی و ویرایشگر مجله انسانگرایی دقت کنید: "در تمدنهایی همانند تمدن ما، مذهب در اغلب مواقع از هوشمندی بیگانه و دور بوده است. جدی گرفتن مذهب در این عصر روشن فکری کار بسیار دشواری است. چیز عجیب و غریبی است که مردم در این عصر می توانند اعتقاد داشته باشند که زندگیشان با ایمان به خدا متحول شده و بوسیله روح القدس تولد دوباره یافته اند. این شهادت غیرمعقول و بدور از واقعیت است." (مجله انسانگرایی سال ۱۹۷۷ صفحه ۴۶).

پیام و عقاید انسانگرایی بسیار ساده و قابل فهم همگان است. آنها می گویند، "کسانیکه وجود خدا و پسرش و کلامش و نجاتش را قبول کرده اند از تماس با واقعیت بدور هستند. آنها بی منطق هستند و دلیل منطقی برای ایمان خود ندارند." بنابراین انسانگرایی و بشر دوستی وجود خدا را انکار می کند و انسان را در جایگاه خدا قرار می دهد. کلام خداوند درباره چنین اشخاصی چنین می فرماید: "که ایشان حق خدا را به دروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند مخلوق را به عوض خالق که تا ابد آباد متبارک است. آمین." رومیان ۱: ۲۵

ارزشهای اخلاقی انسانگرایی

انسانگرایی درباره اخلاق چنین می گوید: "ما تصدیق می کنیم که ارزشهای اخلاقی ریشه خود را از تجربیات انسانی بدست می آورد. اخلاق نیاز به علم الهی یا تعالیم مقدسانه ندارد بلکه خودمختار و جایگاهی است که انسان در جایی که نیاز باشد آن را بطور خودمختار نشان می دهد. ما برای زندگی بهتر در این دنیا همین حالا جد و جهد می کنیم. هدف ما اینست که در پی ثروت‌های زندگی باشیم. دلیل آوردن و هوشمندی ابزار بسیار مؤثری است که انسان می تواند دارا باشد." (۱۹۷۳ بیانیه انسانگرایی جلد دوم، صفحه ۱۷-۱۸).

روابط جنسی انسانگرایی

در رابطه با فعالیت‌های جنسی مردان و زنان، انسانگرایی چنین اظهار می‌کند: "در زمینه رابطه‌های جنسی، ما اعتقاد داریم که نگرش منفی و منع‌کننده مذاهب و فرهنگ‌های پاک دینان بی‌جهت نزدیکی و ارتباطات جنسی را سرکوب می‌کنند. انسانها باید در کنترل کردن زاد و ولد، سقط جنین و طلاق حق و آزادی داشته باشند. ما نه داشتن رابطه جنسی بدنام‌کننده را تصدیق می‌کنیم و نه از داشتن رابطه جنسی بزرگسالانی که از هم رضایت دارند، ممانعت می‌کنیم. انسانها بدون آزار رسانیدن و تجاوز به حقوق دیگران باید اجازه داشته باشند که تمایلات و غریزه جنسی خود را ارضا کنند و نوع زندگی که ایشان دوست دارند را داشته باشند." (۱۹۷۳) بیانیه انسانگرایی جلد دوم، صفحه ۱۹-۱۸.

خلاصه عقاید انسانگرایی

خلاصه عقاید انسانگرایی اینست. "وعده‌های نجات وهمی و مضر است. اخلاق خودمختار و جایگاهی است و فعالیت‌های جنسی بین بزرگسالانی که از همدیگر رضایت دارند، بدون در نظر گرفتن چه کسی و یا چه چیزی در آن رابطه جنسی قرار دارد، مورد قبول است. طبق عقاید انسانگرایی سقط جنین، طلاق، مرگ آسان، همجنسبازی، رابطه جنسی با خواهر و یا برادر نیز برای انسانها جایز است. انسانگرایی تعلیم می‌دهد که ماده ابدی است و خدایی وجود ندارد. انسان و محیط اطراف او در نتیجه نیروی تکاملی بوجود آمد. حقیقت مطلق وجود ندارد و حیاتی بعد از مرگ و یا بهشت و جهنمی نیست. انسان مهمترین موجود روی کره زمین است و نیازی به خدا و دین ندارد. با اینکه انسان از حیوان خلق نشد اما بعضی از انسانها با داشتن چنین نگرشی مانند انسانگرایی خود را به رتبه حیوانات می‌رسانند.

خداگرایی

برخلاف عقیده انسانگرایی که انسان بوسیله تکامل تدریجی از ماده تک سلولی بوجود آمد، کلام خدا می‌فرماید که انسان به شباهت و در تصویر خدا توسط خداوند آفریده شد (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) اما انسان بخاطر سرکشی علیه خداوند، آن تصویر را از دست داد و گناهکار شد. کلام خدا می‌فرماید که عیسی مسیح تنها انسان کامل بود که به مدت ۳۳ سال بدون گناه در این جهان زندگی کرد و برای گناهان ما مصلوب شد تا ما بتوانیم با ایمان به او از مرگ ابدی در جهنم نجات پیدا کنیم. انسانگرایی با توانایی خویشتن نمی‌تواند صورت گیرد. انسانیت کامل توسط قدرت روح القدس که در ما عمل می‌کند، بوجود می‌آید.

حکمت واقعی و گنجینه‌های علم در عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۱: ۳۰). او تنها راه و راستی و حیات است و هیچ کس جز بوسیله او نزد پدر نخواهد رفت. کلام عیسی به ما آزادی واقعی می‌بخشد و ما را از فلسفه‌های باطل و سنت‌های انسانی که انسانها را بسوی نابودی می‌کشاند، حفظ می‌کند (کولسیان ۲: ۸).

کلام خدا می‌فرماید که اخلاق جایگاهی نیست بلکه طبق کلام خداست به دلیل اینکه تمامی چیزهایی که برای دینداری و خداپرستی و اخلاقیات لازم باشد در کتاب مقدس به ما داده شده است. دوم پطرس ۱: ۳

خداوند انسانها را از چیزهای تخریب‌کننده مانند سقط جنین، طلاق، رابطه جنسی نامشروع با زن بیگانه و غیره منع می‌کند تا ما بتوانیم زندگی آرام و سالمی را داشته باشیم (اول قرنتیان ۶: ۹-۱۹؛ رومیان ۱: ۲۶-۳۲؛ متی ۵: ۲۷؛ متی ۱۹: ۹؛ پیدایش ۲: ۲۴).

خاتمه: چرا دنیای امروز در این وضعیت قرار گرفته است که خیلی‌ها به انسانیت و بشر دوستی روی آورده‌اند و نیاز به دین و خدا را باطل می‌دانند؟ به دلیل اینکه تعلیم انسانگرایی از سال ۱۹۳۳ تا به امروز در ذهن انسانها جنگ روانی شروع کرده و بر بسیاری از مردم دنیا تأثیر گذاشته است. عیسی مسیح فرمود، "شما نمک جهانید! لیکن اگر نمک فاسد گردد، به کدام چیز باز نمکین شود؟ دیگر مصرفی ندارد جز آنکه بیرون افکنده، پایمال مردم شود. شما نور عالمید. شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد. و چراغ را نمی‌افروزند تا آن را زیر پیمانه نهند، بلکه تا بر چراغدان گذارند؛ آنگاه به همه کسانی که در خانه باشند، روشنایی می‌بخشد. همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند." متی ۵: ۱۳-۱۶

ما ایمانداران باید نور و نمک جهان باشیم و چیزهای راست را از چیزهای باطل و گناه آلود متمایز کنیم و الگویی برای دیگران باشیم. ما باید از فلسفه و حکمت باطل انسانی آگاهی داشته باشیم و انسانهایی را نیز که فریب فلسفه انسانگرایی شده اند، آگاه سازی کنیم. "زیرا مکتوب است، حکمت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم. کجا است حکیم؟ کجا کاتب؟ کجا مباحث این دنیا؟ مگر خدا حکمت جهان را جهالت نگردانیده است؟ زیرا که چون برحسب حکمتِ خدا، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا بدین رضا داد که به وسیله جهالتِ موعظه، ایمانداران را نجات بخشد." اول قرن‌تین: ۱-۱۹-۲۱